

عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریه

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کِتَابُ الصَّلَاةِ

إِنَّمَا تَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ 'بَالِغٍ عَاقِلٍ' طَاهِرٍ،^۱ فَلَا قَضَاءَ عَلَى مَنْ زَالَ عَقْلُهُ بِجُنُونٍ أَوْ مَرِيضٍ، وَكَافِرٍ أَصْلِيٍّ،^۲ وَيَقْضِي الْمُرْتَدُّ.

۱. عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ مُعَاذًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى الْيَمَنِ، فَقَالَ: أَدْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ. بخاری ۱۳۹۵

رسول الله صلى الله عليه وسلم معاذ را بسوی یمن فرستاد و به او فرمود: آنان را به شهادتین (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ) دعوت بده. اگر آن را پذیرفتند به آنان بفهمان که الله عزوجل در یک شبانه روز، پنج نماز را بر آنان واجب گردانیده است.

۲. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ، وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ، وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ. صحيح. ابوداود ۴۴۰۳

قلم (یعنی گناه) از سه کس برداشته شده است: از خوابیده تا بیدار شود، و از بچه تا بالغ شود، و از دیوانه تا عاقل گردد.

۳. قَالَتْ عَائِشَةُ: كَانَ يُصِيبُنَا ذَلِكَ، فَنُؤْمَرُ بِقَضَاءِ الصَّوْمِ، وَلَا نُؤْمَرُ بِقَضَاءِ الصَّلَاةِ. مسلم ۳۳۵

(در زمان رسول الله صلى الله عليه وسلم) یکی از ما حائض می شد، به قضای روزه امر می شدیم اما به قضای نماز امر نمی شدیم.

همانا (نماز) بر هر مسلمان بالغ عاقل پاک (از حیض و نفاس) واجب می‌شود. پس قضا نیست: (۱) بر کسی که عقل او به سبب دیوانگی یا مریضی از بین رفت (۲) و (بر) کافر. و مرتد قضا می‌کند.

وَيُؤْمَرُ الصَّبِيُّ الْمُمَيِّزُ بِهَا لِسَبْعٍ، وَيُضْرَبُ عَلَيْهَا لِعَشْرِ.^۵

و بچه‌ای که به سن تمییز رسیده به نماز امر کرده می‌شود و در ده سالگی بر (ترک) نماز زده می‌شود.

وَمَنْ نَشَأَ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، وَجَحَدَ وَجُوبَ الصَّلَاةِ أَوْ الزَّكَاةِ أَوْ الصَّوْمِ أَوْ الْحَجِّ، أَوْ تَحْرِيمِ الْخَمْرِ أَوْ الزِّنَا، أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا أُجْمِعَ عَلَىٰ وَجُوبِهِ أَوْ تَحْرِيمِهِ وَكَانَ مَعْلُومًا مِنَ الدِّينِ بِالضَّرُورَةِ كَفَرَ،^۶ وَقُتِلَ بِكُفْرِهِ.^۷

عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَبِي حُبَيْشٍ، كَانَتْ تُسْتَحَاضُ، فَسَأَلَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «ذَلِكَ عِرْقٌ وَلَيْسَتْ بِالْحَيْضَةِ، فَإِذَا أَقْبَلَتِ الْحَيْضَةَ، فَدَعِيَ الصَّلَاةَ وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَأَغْتَسِلِي وَصَلِّي». بخاری ۳۲۰

فاطمه بنت ابی حبیب مستحاضه می‌شد. از رسول الله صلی الله علیه و سلم سوال گرفت. ایشان فرمودند: این (خون، پارگی) رگی است و حیض نیست. هرگاه حیض رو کرد پس نماز را ترک کن و هرگاه پشت کرد غسل بزن و نماز بخوان.

^۴ . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ﴾ سوره انفال،

آیه ۳۸

بگو به کسانی که کافر شدند اگر از کفرشان دست بردارند آنچه گذشته است برایشان آمرزیده می‌شود.

^۵ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ

سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا، وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ». حسن صحیح،

ابوداود ۴۹۵

در هفت سالگی فرزندان را به نماز امر کنید و در ده سالگی آنان بر (ترک) نماز تنبیه کنید و بین آنان در رختخوابشان جدائی اندازید.

و کسی که میان مسلمانان بزرگ شد و وجوب نماز یا زکات یا روزه یا حج یا تحریم خمر یا (تحریم) زنا یا غیر از این (موارد) از چیزهایی که بر وجوب آن یا تحریم آن اجماع شده و از (مسائل) دین به ضرورت، معلوم است، را انکار کرد کافر می‌شود و با کفرش کشته می‌شود.

٦ . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ سوره بقره، آیه ٢١٧

و هر کس از شما که از دینش بازگشت و بمیرد در حالی که او کافر باشد اعمالشان در دنیا و آخرت برباد می‌رود و آنان دوزخیانند و در آن جاویدان می‌مانند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ، يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ، إِلَّا بِأَحَدِي ثَلَاثٍ: الثَّيْبُ الزَّانِي، وَالنَّفْسُ بِالنَّفْسِ، وَالتَّارِكُ لِدِينِهِ الْمُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ. مسلم ١٦٧٦

خون مسلمانی که گواهی دهد: لا اله الا الله محمد رسول الله، حلال و روا نمی‌باشد مگر به سه چیز: زناکار مُحَصَّن، جان در مقابل جان، و ترک کننده‌ی دینش، جدا شونده از جماعت مسلمانان.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرِكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ. مسلم ٨٢

بین شخص و بین شرک و کفر، ترک نماز است.

این حدیث به تارک نمازی حمل شده که ترک نماز را حلال بداند.

٧ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَأَقْتُلُوهُ. بخاری ٦٩٢٢

کسی که دینش را عوض کرد او را بکشید.

لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ سوره توبه، آیه ٨٤

هرگاه یکی از آنان مُرد، هرگز بر او نماز نخوان و بر قبر او نایست زیرا آنان به خدا و رسولش کافر شدند و مُردند در حالی که از دین و فرمان خدا خارج بودند.

وَمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ تَهَاوُنًا - مَعَ اعْتِقَادٍ وَجُوبِهَا - حَتَّى خَرَجَ وَقْتُهَا وَضَاقَ وَقْتُ
ضُرُورَتِهَا،^۸ لَمْ يَكْفُرْ، بَلْ يُضْرَبُ عُنُقُهُ،^۹ وَيُغَسَّلُ وَيُصَلَّى عَلَيْهِ، وَيُدْفَنُ فِي مَقَابِرِ
الْمُسْلِمِينَ.^{۱۰}

^۸ . مصنف رحمه الله بیان کرد که تارک نماز کشته می‌شود هرگاه وقت نماز گذشت و وقت ضرورت آن تنگان شد و این یکی از اقوالی است که در کتاب التنبیه به آن اشاره شده، اما معتمد این است که هرگاه از وقت ضرورت آن خارج شد، کشته می‌شود.

^۹ . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ بْنِ الْخِيَارِ، أَنَّ رَجُلًا، مِنَ الْأَنْصَارِ حَدَّثَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي مَجْلِسٍ فَسَارَهُ يَسْتَأْذِنُهُ فِي قَتْلِ رَجُلٍ مِنَ الْمُنَافِقِينَ، فَجَهَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: أَلَيْسَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟ قَالَ الْأَنْصَارِيُّ؟ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا شَهَادَةَ لَهُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَلَيْسَ يَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا شَهَادَةَ لَهُ، قَالَ: أَلَيْسَ يُصَلِّي؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا صَلَاةَ لَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُولَئِكَ الَّذِينَ نَهَانِي اللَّهُ عَنْهُمْ.

اسناد صحیح، مسند احمد ۲۳۶۷۰

از عبیدالله بن عدی بن خیار روایت است که یکی از انصار به او گفت: به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد در حالی که ایشان به همراه یاران خویش در مجلسی بودند. پس آن انصاری در گوشه از ایشان در مورد کشتن نفری از منافقین اجازه گرفت. رسول الله صلی الله علیه وسلم صدایش را بلند کرد و فرمود: آیا به لا اله الا الله شهادت نمی‌دهد؟ انصاری گفت: بله، ای رسول خدا! اما شهادتی برای او نیست (یعنی اعتقادی به آن ندارد). رسول الله صلی الله علیه وسلم و سلم فرمود: آیا به محمد رسول الله شهادت نمی‌دهد؟ انصاری گفت: بله، ای رسول خدا! اما شهادتی برای او نیست. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا نماز نمی‌گزارد؟ انصاری گفت: بله، ای رسول رسول خدا! اما نمازی برای او نیست. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اینان کسانی‌اند که خداوند مرا از کشتن آنان نهی کرده است.

ابن دقیق العید در تحفه اللیب می‌نویسد: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اینان کسانی‌اند که خداوند مرا از کشتن آنان نهی کرده است. پس دلالت می‌دهد که رسول الله صلی الله علیه وسلم از قتل غیر مصلین نهی نشده است.

و کسی که نماز را به سهل انگاری همراه با اعتقاد وجوب آن ترک کرد تا این که وقت آن خارج شد و وقت ضرورت آن تنگان شد کافر نمی شود بلکه گردنش زده می شود و غسل زده می شود و نماز بر او گزارده می شود و در مقابر مسلمانان دفن کرده می شود.

وَلَا يُعْذَرُ أَحَدٌ فِي التَّأخِيرِ إِلَّا نَائِمٌ أَوْ نَاسٍ، "أَوْ مَنْ أَخَّرَ لِأَجْلِ الْجُمُعِ فِي السَّفَرِ."^{۱۰}

۱۰. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾

سوره نساء، آیه ۴۸

بدون شک خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی بخشد ولی گناهان جز آن را از هر کس که بخواهد می بخشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، دَخَلَ

الْجَنَّةَ». مسلم ۲۶

کسی که وفات یافت در حالی که می داند معبودی به حق جز الله نیست داخل بهشت می شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: خَمْسُ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ مَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يُضَيِّعْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ، وَمَنْ لَمْ يَأْتِ بِهِنَّ فَلَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ، وَإِنْ شَاءَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ.

صحيح، نسائي ۴۶۱

خداوند، پنج نماز را بر بندگان واجب گردانیده است. هر کس آن ها را بجا بیاورد بدون این که آن ها را ضایع کند و سبک بشمارد؛ برای او نزد خداوند عهده ای است که او را به بهشت داخل کند. و هر کس آن ها را بجا نیاورد پس برای او نزد خداوند عهده ای نیست اگر خداوند بخواهد او را عذاب می دهد و اگر بخواهد او را به بهشت داخل می گرداند.

در مورد این حدیث، رملی در نهاییه می نویسد: اگر چنین شخصی کافر می شد در مشیئت خداوند قرار نمی گرفت.

۱۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَيْسَ فِي التَّوْمِ تَفْرِيطٌ، إِنَّمَا التَّفْرِيطُ عَلَى مَنْ

لَمْ يُصَلِّ الصَّلَاةَ حَتَّى يَجِيءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ الْآخِرَى. مسلم ۶۸۱

در خواب، سهل انگاری (بر ترک نماز) نیست همانا سهل انگاری بر کسی است که (در بیداری و هوشیاری) نمازی را نگذارد تا این که وقت نماز دیگر فرا برسد.

و کسی در تأخیر نماز معذور دانسته نمی‌شود مگر خوابیده یا فراموش کننده یا کسی که به خاطر جمع در سفر به تأخیر انداخت.

بَابُ الْمَوَاقِيتِ

الْمَكْتُوبَاتُ خَمْسٌ: ^{۱۳} الظُّهْرُ: وَأَوَّلُ وَقْتِهَا إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ، ^{۱۴} وَأَخِرُّهُ مَصِيرُ ظِلِّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلَهُ، ^{۱۵} سِوَى ظِلِّ الزَّوَالِ. ^{۱۶}

قَالَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً، أَوْ نَامَ عَنْهَا، فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا». مسلم ۶۸۴

هرکس نمازی را فراموش کرد یا از نماز به خواب رفت پس کفاره‌ی آن (چنین) است که هرگاه به یادش آمد آن را بخواند.

^{۱۲} . عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ قَبْلَ أَنْ يَرْتَحِلَ، جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَإِنْ يَرْتَحِلُ قَبْلَ أَنْ تَزِيغَ الشَّمْسُ، أَخَّرَ الظُّهْرَ، حَتَّى يَنْزِلَ لِلْعَصْرِ، وَفِي الْمَغْرِبِ مِثْلُ ذَلِكَ، إِنْ غَابَتِ الشَّمْسُ قَبْلَ أَنْ يَرْتَحِلَ، جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، وَإِنْ يَرْتَحِلُ قَبْلَ أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ، أَخَّرَ الْمَغْرِبَ حَتَّى يَنْزِلَ لِلْعِشَاءِ ثُمَّ جَمَعَ بَيْنَهُمَا. صحيح. ابوداود ۱۲۰۸

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در غزوه‌ی تبوک هرگاه خورشید مایل می‌شد قبل از این که کوچ کند بین ظهر و عصر جمع می‌کرد؛ و اگر کوچ می‌کرد قبل از این که خورشید مایل می‌شد نماز ظهر را به تأخیر می‌انداخت تا این که برای نماز عصر فرود می‌آمد؛ و در مغرب مانند آن، اگر خورشید غروب می‌کرد قبل از این که کوچ کند بین مغرب و عشاء جمع می‌کرد؛ و اگر کوچ می‌کرد قبل از این که خورشید غروب کند مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا این که برای نماز عشاء فرود می‌آمد سپس بین آن دو جمع می‌کرد.

^{۱۳} . قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّهُنَّ خَمْسُ صَلَوَاتٍ كُلُّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ. مسلم ۱۶۲

الله عزوجل (در شب معراج) به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: همانا که آن‌ها در یک شبانه‌روز، پنج نمازند.

همچنین دلیل آن اجماع است.

^{۱۴} . عَنْ بُرَيْدَةَ: ثُمَّ أَمَرَهُ بِالظُّهْرِ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ عَنْ بَطْنِ السَّمَاءِ. مسلم ۶۱۳

و نمازهای واجب پنج است: ظهر: و اول وقت آن هرگاه خورشید به سمت مغرب مایل شد و آخر آن، گردیدن سایه‌ی هر چیزی به مانند آن به غیر از سایه‌ی زوال است.

العصر: وَأَوَّلُهُ آخِرُ الظُّهْرِ،^{۱۷} وَآخِرُهُ الغُرُوبُ.^{۱۸} لَكِنْ إِذَا صَارَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلِيهِ خَرَجَ وَقْتُ الإِخْتِيَارِ وَبَقِيَ الجَوَازُ.

سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم هنگامی که خورشید از وسط آسمان (به طرف مغرب) مایل شد به اقامه‌ی نماز ظهر به بلال فرمان داد.

امام نووی در مورد اول وقت ظهر که هنگام زوال است، اجماع را بیان نموده است.
^{۱۵} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَصَلَّى الْمَرَّةَ الثَّانِيَةَ الظُّهْرَ حِينَ كَانَ ظِلُّ كُلِّ

شَيْءٍ مِثْلَهُ. حسن صحيح. ترمذی ۱۴۹

جبریل علیه السلام بار دوم نماز ظهر گزارد هنگامی که سایه‌ی هر چیز به اندازه‌ی خودش شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَقْتُ الظُّهْرِ مَا لَمْ تَخْضُرِ العَصْرُ. صحيح. ابوداود

۳۹۶

وقت نماز ظهر تا زمانی است که نماز عصر حاضر نشده است. یعنی انتهای وقت ظهر ابتدای وقت عصر است.

^{۱۶} . این جمله برای تأکید آورده شده که نماز گزار دقت کند مثلاً در روزهای همچون زمستان، زمانی که خورشید طلوع می‌کند و یواش یواش بالا می‌آید تا موقعی که خورشید وسط آسمان قرار می‌گیرد، سایه وجود دارد. برای دخول وقت ظهر این سایه مقبول نیست بلکه وقتی خورشید از وسط آسمان به طرف مغرب مایل شد یعنی زوال رخ داد، اکنون وقت ظهر داخل شده است.

^{۱۷} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ثُمَّ صَلَّى العَصْرَ حِينَ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ مِثْلَ

ظِلِّهِ. حسن صحيح. ترمذی ۱۴۹

سپس جبریل علیه السلام (بار اول) نماز عصر گزارد هنگامی که سایه‌ی هر چیز به اندازه‌ی خودش شد.

^{۱۸} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَدْرَكَ رُكْعَةً مِنَ العَصْرِ قَبْلَ أَنْ تَغْرُبَ

الشمس، فَقَدْ أَدْرَكَ العَصْرَ. بخاری ۵۷۹

عصر: و اول آن، آخر ظهر و آخر آن غروب خورشید است. اما هرگاه سایه‌ی هر چیزی دو برابر آن گردید وقت اختیار خارج می‌شود و وقت جواز باقی می‌ماند.

الْمَغْرِبُ: وَأَوَّلُهُ تَكَامُلُ الْغُرُوبِ، ثُمَّ يَمْتَدُّ بِقَدْرِ وُضُوءٍ وَسَثْرٍ عَوْرَةٍ وَأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ وَخَمْسِ رَكَعَاتٍ مُتَوَسِّطَاتٍ، فَإِنْ أَخَّرَ الدُّخُولَ فِيهَا عَنْ هَذَا الْقَدْرِ عَصَى وَهِيَ قَضَاءٌ،^{۱۹} وَإِنْ دَخَلَ فِيهِ^{۲۰} فَلَهُ اسْتِدَامَتُهَا إِلَى غَيْبِ الشَّفَقِ الْأَخْمَرِ.^{۲۱}

کسی که یک رکعت از نماز عصر درک کند قبل از این که خورشید غروب کند، بدون شک نماز عصر را درک کرده است.

^{۱۹} . در بعضی از نسخه‌ها بدون: **كُلِّ**.

^{۲۰} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ثُمَّ صَلَّى الْعَصْرَ حِينَ كَانَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ

مِثْلِيهِ. حسن صحیح. ترمذی ۱۴۹

سپس جبریل علیه‌السلام (بار دوم) نماز عصر گزارد هنگامی که سایه‌ی هر چیز دو برابرش شد.

^{۲۱} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرِبَ حِينَ وَجَبَتِ الشَّمْسُ

وَأَفْطَرَ الصَّائِمُ. حسن صحیح. ترمذی ۱۴۹

سپس جبریل علیه‌السلام (بار اول) نماز مغرب گزارد هنگامی که خورشید غروب کرد و روزه دار افطار کرد.

امام نووی در مجموع در مورد وقت نماز مغرب که با غروب خورشید آغاز می‌شود اجماع علما را بیان کرده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرِبَ لَوْفَتِهِ الْأَوَّلِ. حسن صحیح.

ترمذی ۱۴۹

سپس جبریل علیه‌السلام (بار دوم) نماز مغرب را در وقت اولی‌اش گزارد. یعنی هنگامی که خورشید بلافاصله غروب کرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَوَقْتُ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ مَا لَمْ يَغِبِ الشَّفَقُ. مسلم

۶۱۲

وقت نماز مغرب تا زمانی است که شفق الأحمر غایب نشود.

حدیث اول و دوم دلالت می‌دهند که وقت مغرب یکی است همان‌گونه که مصنف بیان نمود زیرا جبریل دو روز پیاپی جهت آموزش نماز به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم امامت نمود. در هر دو روز، نماز مغرب را در یک وقت گزارده. اما حدیث سوم دلالت می‌دهد زمانی که شفق سرخ ناپدید شد وقت مغرب به پایان می‌رسد. محققین مذهب این قول را ترجیح داده‌اند.

قول اول (وقت مغرب یکی است) قول جدید امام شافعی و قول دوم (وقت مغرب تا زمانی امتداد دارد که شفق سرخ باقی است) قول قدیم و جدید امام است. قول اول که قول جدید امام است در نقل آن از امام خلافاً نیست. اما تفصیل قول دوم که اشاره شد قول قدیم و جدید است:

ابو ثور یکی از ناقلین مذهب قدیم امام شافعی از او نقل نموده: وقت مغرب تا زمانی امتداد دارد که شفق سرخ باقی است. در نتیجه این قول، قول قدیم می‌شود.

اما تفصیل قول دوم که می‌تواند قول جدید هم باشد: امام نووی در مجموع بیان کرده: امام در کتاب الإملاء که از کتاب‌های جدید اوست، بر قول دوم تعلیق آورده که اگر حدیث آن نزد او ثابت شد این قول را می‌گیرد.

امام نووی در ادامه می‌نویسد: چون احادیث صحیح زیادی به ما رسیده که قول دوم را تایید می‌کنند به آن‌ها عمل کرده می‌شود. پس از نص امام نتیجه می‌گیریم که قول دوم، قول جدید امام نیز می‌باشد.

صاحبان تحفه، نهاییه، مغنی، أسنی المطالب و إعانه الطالبین نیز چنین مطلبی را با تلخیص نقل کرده‌اند.

پس در این مسأله، قول دوم، قول راجح است که می‌گوید: وقت نماز مغرب تا شفق سرخ امتداد دارد. زیرا حدیث آن، مدنی و حدیث قول اول، مکی است. همچنین راویان آن بیش‌تر و إسناد آن صحیح‌تر است.

۲۲ . «فِيهِ» یعنی: فِي الْمَغْرِبِ، در بعضی از نسخه‌ها آمده: «فِيهَا». یعنی: فِي صَلَاةِ

الْمَغْرِبِ.

۲۳ . عَنْ مَرْوَانَ بْنِ الْحَكَمِ، قَالَ: قَالَ لِي زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ: «مَا لَكَ تَقْرَأُ فِي الْمَغْرِبِ

بِقِصَارٍ، وَقَدْ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ بِطُولِ الطُّولَيْنِ». بخاری ۷۶۴

مغرب: و اول آن، کامل شدن غروب است. سپس به اندازه‌ی وضو، ستر عورت، اذان، اقامه و پنج رکعت متوسط امتداد می‌یابد. پس اگر دخول در نماز را از این مقدار به تأخیر انداخت گنهکار است و آن قضاست. و اگر در نماز داخل شد ادامه دادن آن تا ناپدید شدن شفق سرخ اجازه دارد.

العِشَاءُ: وَأَوَّلُهُ غَيْبُوبَةُ الشَّفَقِ الْأَحْمَرِ،^{۲۴} وَآخِرُهُ الْفَجْرُ الصَّادِقُ،^{۲۵} وَلَكِنْ إِذَا مَضَى ثُلُثُ اللَّيْلِ خَرَجَ وَقْتُ الْإِخْتِيَارِ وَبَقِيَ^{۲۶} الْجَوَازُ.^{۲۷}

مروان بن حکم می‌گوید: زید بن ثابت به من گفت: تو را چه شده که در نماز مغرب، سوره‌های کوتاه می‌خوانی؟ از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که (در نماز مغرب) به طولانی‌ترین از دو سوره‌ای که طولانی است، قرائت کرد.

در روایت احمد ۲۱۶۱۴ با سند صحیح روایت شده که سوره‌ی اعراف بوده است.

^{۲۴} . عَنْ جَابِرٍ: ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ غَابَ الشَّفَقُ فَتَقَدَّمَ جِبْرِيلُ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَلْفَهُ، وَالنَّاسُ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَلَّى الْعِشَاءَ. صحيح. نسائی ۵۱۳

سپس جبریل علیه السلام زمانی نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد که شفق سرخ ناپدید شد. پس جبریل جلو آمد و نماز عشاء را امامت نمود. رسول الله صلی الله علیه و سلم پشت سر او و مردم پشت سر رسول الله صلی الله علیه و سلم (نماز گزارند).

عَنْ بُرَيْدَةَ: ثُمَّ أَمَرَهُ بِالْعِشَاءِ حِينَ وَقَعَ الشَّفَقُ. مسلم ۶۱۳

سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم هنگامی که شفق سرخ ناپدید شد به اقامه‌ی نماز عشاء به بلال فرمان داد.

^{۲۵} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَيْسَ فِي التَّوْمِ تَفْرِيطٌ، إِنَّمَا التَّفْرِيطُ عَلَى مَنْ لَمْ يُصَلِّ الصَّلَاةَ حَتَّى يَجِيءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ الْآخِرَى. مسلم ۶۸۱

در خواب، سهل‌انگاری (بر ترک نماز) نیست همانا سهل‌انگاری بر کسی است که (در بیداری و هوشیاری) نمازی را نگذارد تا این که وقت نماز دیگر فرا برسد.

^{۲۶} . در بعضی از نسخه‌ها: وَيَبْقَى.

^{۲۷} . كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُؤَخِّرُ الْعِشَاءَ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ. مسلم ۶۴۷

رسول الله صلی الله علیه و سلم نماز عشاء را تا یک‌سوم شب به تأخیر می‌انداخت.

عشاء: و اول آن، ناپدید شدن شفق سرخ و آخر آن فجر صادق است. اما هرگاه یک سوم شب گذشت وقت اختیار خارج می شود و وقت جواز باقی می ماند.

الصُّبْحُ: وَأَوَّلُهُ الْفَجْرُ الصَّادِقُ،^{۲۸} وَآخِرُهُ طُلُوعُ الشَّمْسِ،^{۲۹} لَكِنْ إِذَا أَسْفَرَ خَرَجَ وَقْتُ الإِخْتِيَارِ وَبَقِيَ^{۳۰} الْجَوَازُ.^{۳۱}

عَنْ بُرَيْدَةَ: وَصَلَّى الْعِشَاءَ بَعْدَ مَا ذَهَبَ ثُلُثُ اللَّيْلِ. مسلم ۶۱۳

رسول الله صلى الله عليه وسلم نماز عشاء را گزارد، بعد از این که یک سوم شب گذشت.
^{۲۸} . عَنْ جَابِرٍ: ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ انشَقَّ الْفَجْرُ فَتَقَدَّمَ جِبْرِيلُ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَلْفَهُ، وَالنَّاسُ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَلَّى الْعِدَاةَ. صحيح. نسائی ۵۱۳

سپس جبریل علیه السلام زمانی نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم آمد که فجر (صادق) دمید. پس جبریل علیه السلام جلو آمد و نماز صبح را امامت کرد. رسول الله صلى الله عليه وسلم پشت سر او و مردم پشت سر رسول الله صلى الله عليه وسلم (نماز گزارند).

عَنْ بُرَيْدَةَ: فَصَلَّى الصُّبْحَ حِينَ طَلَعَ الْفَجْرُ. مسلم ۶۱۳

رسول الله صلى الله عليه وسلم نماز صبح خواند هنگامی که فجر (صادق) طلوع کرد.
^{۲۹} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَقْتُ صَلَاةِ الصُّبْحِ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ مَا لَمْ

تَطْلُعَ الشَّمْسُ. مسلم ۶۱۲

وقت نماز صبح از طلوع فجر (صادق) تا وقتی که خورشید هنوز طلوع نکرده است.

^{۳۰} . در بعضی از نسخه ها: وَيَبْقَى.

^{۳۱} . عَنْ بُرَيْدَةَ: ثُمَّ أَمَرَهُ الْعِدَّةَ فَنَوَّرَ بِالصُّبْحِ. مسلم ۶۱۳

سپس رسول الله صلى الله عليه وسلم فردای آن روز به اقامه ی نماز به بلال فرمان داد. پس هنگام روشن شدن هوا نماز صبح خواند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَصَلَّى بِي الْعِدَاةَ بَعْدَ مَا أَسْفَرَ. حسن. صحيح ابن

خزیمه ۳۲۵

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: (بار دوم) جبریل علیه السلام به من نماز صبح گزارد بعد از این که هوا روشن شد.

صبح: و اول آن، فجر صادق و آخر آن طلوع خورشید است. اما هرگاه هوا روشن شد وقت اختیار خارج می‌شود و وقت جواز باقی می‌ماند.